

دهیم و حیف است که از این انرژی پاک و خدادادی استفاده نکنیم. چالش‌هایی که در بخش ساختمان وجود دارد به اختصار عبارتند از:

- پایین بودن قیمت انرژی
- تولید و عرضه محصولات ساختمان غیراستاندارد
- ساخت و ساز، ساختمان به شکل سنتی
- عدم نظارت قانونمند بر اجرای صحیح و اصولی مبحث ۱۹
- استفاده از لوازم خانگی با راندمان پایین

اینها بزرگترین چالش‌هایی هستند که ما در بخش ساختمان با آن مواجه هستیم. در مبحث ۱۹ نظام مهندسی درمورد کنترل کیفیت و اجرای آیین‌نامه‌های آن می‌تواند نقش نظارتی داشته باشد، همچنین وزارت مسکن و شهرسازی طبیعتاً در این خصوص مسئولیت دارد و از طرف دیگر چون شهرداری در ابتدا صدور پروانه ساختمان را بر عهده دارد و در خاتمه هم پایان کار را می‌دهد در واقع در اینجا یک مربع وجود دارد که اگر چهارضلع مربع را با هم هماهنگ کنیم می‌توانیم مصرف انرژی را بهینه کنیم، البته باید این کار الزامی و اجرائی شود، بدین منظور تدابیری لازم است. اگر مبحث ۱۹ در ساختمان در حال احداث و حتی ساختمان‌های دولتی اجراء شود (که این امر در مورد دوم هم حتی رعایت نمی‌شود) اما اخیراً کمیسیون زیربنایی دولت رعایت این امر را تصویب کرد.

به هر حال مصوبه هیئت وزیران دستگاه‌ها را ملزم کرد که در تمام ساختمان‌های دولتی که در دست اجراء و یا در آینده اجراء می‌شوند، اجرای مبحث ۱۹ الزامی است. در بخش خصوصی نیز مسئله تأمین اعتبارات مطرح می‌باشد. امیدواریم در طرح اصلاح الگوی مصرف که در حال حاضر در مجلس مطرح است این مورد به طور جدی و دقیق تکلیف شود و ما شاهد اجرای مبحث ۱۹ باشیم. با رعایت مبحث ۱۹ مقرارت ملی ساختمان در ساخت و سازهای جدید و ساختمان‌های موجود ۱۶۳ میلیون بشکه معادل نفت خام به ارزش ۱/۴ میلیارد دلار در مصرف انرژی این بخش صرفه‌جویی می‌شود.

در دو دهه آینده با توجه به اینکه ترکیب جمعیت فعلی ما جوان است، پیش‌بینی می‌شود براساس آمارهایی که داده شده حدود ۱۷ میلیون خانوار تا چشم‌انداز به مجموع خانوارهای کشور اضافه خواهند شد که طبیعتاً نیاز به خانه، ماشین و لوازم خانگی دارند که همه اینها انرژی‌بر است، اگر در این مورد فکر نکنیم و روند ما همین روند فعلی باشد، طبیعتاً با بحران مواجه خواهیم شد و حتی برای رسیدن به چشم‌انداز هم دچار مخاطره خواهیم شد.

هدم‌کردن یارانه‌ها انشاءالله اجراء خواهد شد. الزامی کردن مبحث ۱۹ و کاهش تلفات انرژی ساختمان هم از روش‌هایی که گفته شد باید انجام شود. قانون هدم‌کردن استانداردهای برچسب انرژی را هم مجلس باید دقیقاً مورد تأکید و تأیید قرار داد و قانونمند کرد و سرانجام باید فرهنگ‌سازی کرد تا قانون هم به شکل صحیح اجراء شود.

در بخش حمل و نقل در سال ۸۷ تقریباً ۷۴ میلیون بشکه معادل نفت خام ما در کشور انرژی مصرف کرده‌ایم، یعنی از آن یارانه ۶۰ میلیارد دلاری، ۲۰ میلیارد دلار فقط در بخش حمل و نقل هزینه شده است. چون همان‌طور که می‌دانید عمده مصرف در بخش حمل و نقل ما بنزین است با توجه به قیمتی که بنزین دارد طبیعتاً از نظر ارزشی مبلغ یارانه را بالا می‌برد.

بحث دیگری که در بخش حمل و نقل داریم شرایط ناوگان است. متأسفانه ناوگان ما در کشور فرسوده است و تقریباً حدود ۱۰ میلیون در سال ناوگان خودروهای سبک ما است. از این مقدار ۸/۵ میلیون خودروهای سواری است. ۱/۶ میلیون وانت است و ۱۹ درصد ناوگان ما فرسوده است این ۱۹ درصد عمر بالای ۲۰ سال دارند و در نتیجه اتفاقی که افتاده است ۳۵ درصد مصرف کل ناوگان را همین ۱۹ درصد مصرف می‌کنند. بیش از ۵۰ درصد آلاینده‌گی کلان شهرها هم توسط همین ۱۹ درصد است. در حال حاضر تولید خودروی ما در سال حدود یک میلیون و ۱۵۰ هزار دستگاه می‌باشد با یک طرح پنج ساله می‌توانیم تمام خودروهای فرسوده سبک و سنگین را خارج کنیم. حتی اگر ما یک موتور از خارج وارد کنیم، و روی خودرویی بگذاریم و به صاحب خودرو تحویل دهیم ظرف یک سال و نیم تا دو سال پول آن برمی‌گردد.

نحوه تأمین بودجه واردات سوخت توسط دولت

جزئیات آئین‌نامه اجرایی بند (۴) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور که به رابطه مالی شرکت ملی نفت و دولت مربوط می‌شود منتشر شد. در این آئین‌نامه نحوه تأمین بودجه واردات بنزین و گازوئیل مشخص شده است.

هیئت وزیران بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های نفت و امور اقتصادی و دارایی، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و به استناد بند (۴) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور، با آئین‌نامه اجرایی این بند موافقت کرد.

جزئیات آئین‌نامه اجرایی بند (۴) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور به شرح ذیل است:

ماده ۱- شرکت ملی نفت ایران موظف است در دفاتر قانونی خود، هر ماه پس از محاسبه ارزش نفت تولیدی (نفت خام و میعانات گازی) از کلیه میدان‌های نفتی و گازی کشور به ترتیب برای میدان‌های مشترک با کشورهای همسایه معادل ۷۵ درصد و برای سایر میدان‌ها معادل ۸۶ درصد به عنوان ارقام موضوع جزء «الف» بند (۴) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور و همچنین ۶۴ درصد ارزش گاز خام تولیدی تحویلی به شرکت ملی گاز ایران و ۸۹ درصد ارزش مابقی گاز تولیدی موضوع جزء «ب» بند (۴) را به حساب بستانکار دولت (خزانه‌داری کل کشور) منظور و به ترتیب، حساب‌های بهای تمام شده نفت و گاز طبیعی را بدهکار کند.

تبصره ۱- سهم شرکت ملی نفت ایران از ارزش نفت تولیدی (نفت خام و میعانات گازی) پس از کسر هزینه‌ها، از مالیات و سود سهام دولت معاف است.

تبصره ۲- در مورد گازهای سوزانده شده معادل ۲۷/۷ درصد ارزش آن ۳۰ درصد از ۸۹ درصد به عنوان سهم دولت به بستانکار حساب دولت منظور می‌گردد.

تبصره ۳- معادل ۱۱ درصد ارزش گاز تزریقی تولیدی که به میادین نفتی تزریق می‌شود به عنوان سهم شرکت ملی نفت ایران به حساب بدهکار دولت منظور می‌شود.

ماده ۲- شرکت ملی نفت ایران موظف است کلیه دریافت‌های حاصل از صادرات نفت خام را به هر صورت پس از کسر پرداخت‌های بیع متقابل نفتی به ترتیب مقرر در قرارداد موضوع بند (۴) ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور به حساب‌های معرفی شده از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی از طرف خزانه‌داری کل کشور واریز و حساب دولت (خزانه‌داری کل کشور) را در دفاتر قانونی خود معادل حاصل ضرب ارزش واریزی در نرخ تسعیر ارز اعلامی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در روز واریز، بدهکار کند.

ماده ۳- شرکت ملی نفت ایران مکلف است تمامی وجوه مازاد بر درآمدهای نفت تولیدی پیش‌بینی شده در قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور (مازاد بر ۶۵ دلار در هر بشکه) را به حساب خزانه‌داری کل کشور نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز نماید.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است پس از کسر سهم صندوق توسعه ملی (معادل ۲۰ درصد از صادرات نفت خام و میعانات گازی) و واریز سهم شرکت ملی نفت ایران به حساب متمرکز وجوه شرکت مذکور، با اعلام خزانه‌داری کل مابقی را به حساب ذخیره ارزی واریز کند.

سهم شرکت ملی نفت ایران از این محل صرفاً جهت طرح‌های سرمایه‌گذاری توسعه میادین نفتی یا حفظ ظرفیت آنها و توسعه میادین گازی مشترک استفاده می‌شود.